

تبیین نظرات فقهی و حقوقی پیرامون حیات مجدد بعد از مجازات قصاص

حسین ردایی^۱، مجتبی اعظمی^۲

اعضو هیئت علمی دانشگاه شاهد، تهران، ایران

^۱ دانشجوی کارشناسی فقه و حقوق اسلامی، دانشکده علوم انسانی، دانشگاه شاهد، تهران، ایران (نویسنده مسئول)

چکیده

تحقیق حاضر درصدد بررسی آثار حقوقی وجود حیات بعد از اعمال مجازات قصاص در فقه و حقوق ایران است. نزد فقها در این زمینه اختلاف نظر وجود دارد. بر اساس یک دیدگاه، کسی که محکوم به اعدام میشود، اگر پس از اجرای حکم اعدام، سلب حیات میشود و تخصص مربوطه آن را تأیید کرد، حکم صادره در مورد محکوم علیه به طور کامل از لحاظ ماهوی و هم از لحاظ تشریفات حقیقی حکم پایان یافته است، حال اگر فرد به طور معجزه آسایی زنده شود، این یک حیات جدید به حساب میآید در حالی که حکم اعدام مربوط به حیات قبلی بود که تمام و کمال اجرا شده و تحقق یافته است؛ اما دیدگاه مشهور فقها، به دلیل رعایت شرط مماثلت و مطابقت حق قصاص در زمره حق الناس است، از این رو در صورت درخواست ولی دم حق تکرار قصاص یا حق عفو یا دریافت دیه از نظر برای او ثابت است و جراحاتی که در اثر قصاص ناقص برای جانی پیدا شده، داخل در قصاص بوده و به حساب نیامده، از این نظر حتی محنی علیه محسوب شده و حق قصاص جرح یا دریافت دیه را خواهد داشت و قانون مجازات اسلامی ۱۳۹۲ نیز دیدگاه مشهور را تکرار کرده است. به نظر می رسد با توجه به ایرادهایی که بر نظر مشهور فقهای امامیه وارد است، قانون گذار می تواند ماده ۴۳۸ قانون مجازات اسلامی را مطابق با نظر غیر مشهور که به نظر، دارای مبنا و ادله ی قوی تر می باشد مبتنی نماید.

واژه های کلیدی: قصاص، حیات، تکرار مجازات، فقه، قانون مجازات ۱۳۹۲.

۱- مقدمه

نظام کیفری اسلام در مورد مجازات، دو گونه نظام را ارائه کرده است؛ زیرا مجازات‌های اسلامی یا از لحاظ نوع، کیفیت و مقدار معین هستند مانند حدود، قصاص و دیات و یا از جهات مذکوره معین نیستند مانند تعزیرات شرعی و حکومتی که به آنها مجازات‌های نامعین می‌گویند. قانون مجازات اسلامی کشورمان اخیراً در پاره‌ای از موارد، مورد اصلاح و بازبینی مجدد قرار گرفته است. یکی از این موارد زنده ماندن شخص جانی پس از اجرای کامل مجازات اعدام و تصدیق نماینده پزشکی قانونی مبنی بر پایان حیات فرد محکوم علیه می‌باشد، که هر چند مورد بسیار نادری است اما دور از انتظار نیست. سوال اساسی این است که آثار حقوقی وجود حیات در بعد از اعمال مجازات قصاص در فقه و حقوق ایران چیست؟ در صورتی که بعد از اعدام علایم حیات در مجرم باقی بماند و پس از مداوا، زندگی خود را باز یابد، اجرای مجدد قصاص یا حد، در نظر فقها و قانون مجازات اسلامی چگونه است؟ هر چند در منابع فقهی متقدمین جواب صریح و روشنی در این باره یافت نشده ولی با تحقیق عمیق و بررسی دقیق در ادله و نظرات فقهای متاخر می‌توان به پاسخ قطعی دست یافت و آنگاه مسایل پیرامون آثار حقوقی آن را نیز مورد بحث قرار داد؛ بنابراین پس از آن که مجازات قصاص بر شخص جانی اعمال و اجرا شد، اگر نشانه‌ای از وجود حیات بر او آشکار گردد، این پرسش مطرح خواهد شد که آیا قصاص نفس مجدد صورت می‌گیرد یا خیر و آیا قصاص مجدد نفس از شخص جانی، بر قصاص عضو ولی دم یا اخذ دیه از او منوط است یا خیر؟ برای پاسخ به این گونه پرسش‌ها دیدگاه مشهور فقها و دیدگاه غیر مشهور را همراه با ادله آنها تحلیل خواهیم کرد.

۱-۲- دیدگاه مشهور فقها؛ اجرای قصاص

مجدد نفس

از فقهای معاصر حضرات آیات صافی گلپایگانی، فاضل لنکرانی(ره) و بهجت(ره) اجرای قصاص مجدد را ضروری دانسته‌اند. از آیت الله صافی سوال شده است: چنانچه بعد از اعدام و قبل از دفن در سردخانه یا پزشکی قانونی و... در مجرم علایم حیات دیده شود با مداوا سلامت خود را باز یابد، اجرای مجدد حکم چه صورتی دارد؟ آیا بین حد و قصاص تفاوتی وجود دارد؟ ایشان پاسخ داده‌اند: «در فرض سوال ظاهراً

حکم اجرای حد و قصاص به قوت خود باقی است (العالم) (صافی گلپایگانی/۱۴۱۹). آیت الله قاضی فاضل همین سوال چنین جواب داده‌اند: «باید حکم حد و قصاص و فرقی بین حد و قصاص وجود ندارد، مگر اینکه اولیای دم از قصاص صرف نظر کنند» (فاضل/۱۴۱۹). مرحوم آیت الله بهجت هم در این زمینه سوال کرده است: پس از اعدام و حلق آویز کردن مجرم، کشف شود که او زنده است، آیا دوباره باید اعدام شود؟ خسارت‌هایی که حکم بر مجرم وارد شده است، برعهده چه کسی است؟ جواب داده‌اند: «باید دوباره اعدام شود و ضمانت‌ها که در اول بر مجرم وارد شده، بر مباشر آن است» (بهجت/۱۴۲۸).

۲- ادله و استدلال دیدگاه مشهور

مجدد قصاص

۱-۱-۲- آیات

۱- آیه «وَكُتِبَ عَلَيْهِمْ فِيهَا أَنْ النَّفْسَ بِالنَّفْسِ وَالْأَنْفَ بِالْأَنْفِ وَالْأُذُنَ بِالْأُذُنِ وَالسِّنَّ بِالسِّنِّ وَالْجِرْحَ بِالْجِرْحِ» (مائده/۴۵). بر آنان مقرر داشتیم که جان در مقابل جان در مقابل چشم، و بینی در مقابل بینی، و گوش، و دندان در مقابل دندان می‌باشد و هر جراحتی که بر کسی آن را ببخشد کفاره گناهان او شود و هر کس به احکامی که خدا نازل کرده است، ستمگر است.

سیاق آیه خصوصاً با توجه به جمله «والجروح بالجرح» رساند که منظور، بیان حکم قصاص، در اقسام جراحت بریدن و جرح می‌باشد، و منظور از قصاص نفس، قصاص خود نفس و اعضاء است از حیث نقص و عیب حاصل از آن، نه قصاص به لحاظ فعل به تنهایی و صرف نظر از نتیجه آن؛ به این معنی میان دو نفس و دو عضو انجام می‌گیرد نه میان قطع شدن. به سخن دیگر هر عضوی از مجنی علیه کند یا نفس او گرفته شود، در عوض آن و

۱ - صافی گلپایگانی، لطف الله، جامع الاحکام، ج ۲، انتشارات حدیث، ۱۴۱۹ ق. ص ۳۶۳.
۲ - لنکرانی، محمد فاضل، جامع المسائل، جلد دوم، چاپ یازدهم، قلم، بی تا، ص ۴۵۹.
۳ - بهجت، محمد تقی، استفتائات (بهجت)، جلد چهارم، چاپ اول، آیت الله بهجت، ۱۴۲۸، ص ۴۷۵.

بازرسی و تحقیق

عضو یا نفس از جانی گرفته می شود تا در نفس یا عضو با هم برابر گردند و چنین نیست که اگر جانی، مجنی علیه را با قطع کردن عضو او آزار داده است، مجنی علیه نیز حق دارد او را با قطع کردن عضو مقابلش آزار دهد بلکه قصاص به لحاظ خود عضو و نقص حاصل از قطع آن صورت می گیرد. بنابراین مدلول آیه آن است که مجنی علیه حق دارد جانی را ناقص العضو کند به گونه ای که اگر جانی دوباره آن عضو را پیوند بزند، مجنی علیه حق خواهد داشت دوباره آن را جدا کرده و او را ناقص العضو کند؛ زیرا خود عضو، متعلق حق مجنی علیه و خود نفس، متعلق حق اولیای دم است البته نه بدان معنا که مجنی علیه یا ولی دم مالک آن عضو یا نفس باشد بلکه این معنا مراد است که آنها مالک گرفتن آن عضو و ناقص کردن جانی و مالک گرفتن نفس و کشتن قاتل هستند^۱ (هاشمی شاهرودی، ۱۳۷۷).

۲- آیه «یا ایها الذین آمنوا کتب علیکم القصاص فی القتلی الحر بالحر والعبد بالعبد والأنتی بالأنتی. فمن اعتدی بعد ذلك فله عذاب أليم» (بقره ۱۷۸). ای اهل ایمان، حکم قصاص در مورد کشتگان، بر شما نوشته شده است: آزاد در برابر آزاد، برده در برابر برده، زن در برابر زن، ... و کسی که از آن تجاوز کند، عذاب دردناکی خواهد داشت. امام حسن عسکری (ع) فرمودند مقصود از آیه را مساوات در قصاص دانسته اند و اینکه قاتل به همان شیوه ای که او را کشته است، کشته شود^۲ (حرعاملی، ۱۴۰۹).

۳- آیه «ولا تقتلوا النفس الّتی حرّم الله إلا بالحقّ ومن قتل مظلوماً فقد جعلنا لولیه سلطاناً فلا یسرف فی القتل إنّهُ کان منصوفاً» (اسراء ۳۳) «و کسی را که خداوند خونش را حرام شمرده، نکشید، جز بحق! و آن کس که مظلوم کشته شده، برای ولی اش سلطه (و حق قصاص) قرار دادیم؛ اما در قتل اسراف نکند، چرا که او مورد حمایت است» بر اساس دو آیه فوق آنچه در قصاص نفس مهم است همگونی و برابری در کمیت و کیفیت میان جنایت و کیفر آن است و از آنچه نهی شده اسراف در قتل و قاتل به همان شیوه ای که او را کشته است کشته شود. در قصاص نفس آنچه که وارد شده، حداقل قصاص با شمشیر است. از مضمون برخی از روایات^۳

(کلینی، ۱۴۰۷) که در تفسیر آیات فوق به کار گرفته شده این طور برداشت می شود که مقابله به مثل در نوع کشتن نداریم زیرا در اکثر موارد نمی توان به مثل عمل قاتل انجام نمود؛ به دلیل اینکه واقف بودن به روش قتل و انجام به مثل آن که دقیقاً مانند عمل قاتل باشد به نظر محال می رسد و در اجرای قصاص نفس نباید کاری کرد که جانی بیشتر از درد شمشیر چیز دیگری را تحمل کند، هر چند قاتل به وضع بدتری مقتول را کشته باشد؛ بنابراین از تحلیل فوق می توان این طور نتیجه گیری کرد که وقتی در باب مساوات در قتل باید به قدر متیقن که یک ضربه شمشیر و درد حاصل از آن است اکتفا نمود و نسبت به مازاد آن دلیلی وجود ندارد بنابراین در باب اعدام مجدد مساله خالی از اشکال نیست؛ اما با توجه به آیاتی که در باب قصاص دلالت بر مماثلت در ازهاق نفس دارند و قصاص نفس، تحقق نمی یابد مگر با کشته شدن جانی درست مانند کشته شدن مقتول و به واسطه آن، تردیدی در اجرای مجدد اعدام باقی نمی ماند.

۱-۱-۲- محکومیت فرد قاتل به وجوب اتلاف

کسی که به مجازات قصاص محکوم شده است، اگر به هر دلیلی نمیرد، باید مجازات او اعاده شود و این به علت محکومیت فرد به وجوب اتلاف به وسیله اعدام است حال آنکه این اتلاف محقق نشده است. این استدلال در کلام شهید ثانی در باب وجوب اعاده مجرم دیده می شود: «اذا فر المرجم و کان الموجب ثابتاً البینه وجب اعادته، لانه محکوم بوجوب اتلافه بالرجم، ولایتم الا بالاعاده، فتجب من باب المقدمه»^۴ (الجبعی العاملی، ۱۴۱۳). وی در ادامه می افزاید: «با اقرار شخص به زنا، حکم سنگسار بر او واجب شده و چاره ای نیست مگر اینکه مسمای این حکم حاصل شود.»^۵ (الجبعی العاملی، ۱۴۱۳).

از طرفی شکی نیست که مقتضی اطلاق ادله حدود، وجوب اجرای آن و عدم سقوط تکلیف است، مگر به امتثال^۶ (مومن قمی، ۱۴۲۲) و زمانی که شک در رفع تکلیف شود، اصل، عدم اسقاط حد و باقی ماندن حدی است که پیش از این ثابت بود^۷

۴ - الجبعی العاملی، زین الدین بن علی [شهید ثانی]، مسالك الافهام الی تنقیح شرایع الاسلام، جلد ۱۴، چاپ اول، قم، مؤسسه المعارف الاسلامیه، ۱۴۱۲، ص ۳۸۴.

۵ - همان، ص ۲۸۵.

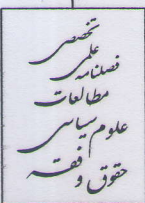
۶ - مومن قمی، محمد، مبانی تحریر الوسیله، کتاب الحدود، تهران، مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی قدس سره، ۱۴۲۲، ص ۲۶۶.

۷ - گلپایگانی، سید محمد رضا موسوی، الدر المنضود فی احکام الحدود، ج ۱، قم، دارالقرآن الکریم، ۱۴۱۲، ص ۴۱۲.

۱ - هاشمی شاهرودی، محمود، «پیوند عضو پس از قصاص»، مجله فقه اهل بیت، شماره ۱۶، قم، ۱۳۷۷، ص ۳۲۳.

۲ - حر عاملی، محمد بن حسن، وسائل الشیعه، ج ۱۹، قم، مؤسسه آل البیت لاحیاء التراث، چاپ اول، ۱۴۰۹، ق، ص ۵۵.

۳ - کلینی، پیشین، ص ۲۷۹؛ حر عاملی، پیشین، ج ۱۹، ص ۹۵.



تخصیص
نصرت
مطالعات
علوم سیاسی
حقوق و وقت

(گلپایگانی، ۱۴۱۲).

در قصاص نفس نیز چنین خواهد بود، مسمای مجازات، قصاص و معنای متداول آن در این زمان، قرار دادن حلقه طناب دار در گردن متهم برای کشتن او به سبب خفگی و حبس نفس است^۱ (اردبیلی، ۱۴۲۷). کیفیت اعدام باید به گونه ای باشد که شخص اعدامی به واسطه آن بمیرد تا آنجا که بین معنای اعدام و تحقق مرگ ملازمه است^۲ (فاضل لنکرانی، ۱۴۲۰)؛ به عبارت دیگر اگر مرگ حاصل نشود، قصاصی صورت نگرفته است. لذا زمانی حکم اعدام ساقط می شود که شکی در رفع تکلیف باقی نماند و سلب حیات کاملاً محقق شود.

این تکرار حکم در صورت پاره شده طناب دار نیز صورت می گیرد. قانون در مورد پاره شدن طناب دار، نص صریحی ندارد؛ اما در ماده ۱۶ آیین نامه نحوه اجرای حکم قصاص، رجم، قتل، صلب، اعدام و شلاق آمده است: «مامورین اجرای حکم موظفند قبل از اجرای حکم ابزار، عدوات و آلات اجرا را دقیقاً مورد معاینه و بررسی قرار داده و از استحکام و آماده بودن آنها برای اجرای حکم اطمینان حاصل کنند». تاکید بر این امور از جانب قانونگذار برای حسن اجرای حکم و محقق شدن سلب حیات مجرم است. لازمه ماده ۱۶ آیین نامه این خواهد بود که اگر موارد مذکور رعایت نشد و پاره شدن طناب اعدام، سبب عدم تحقق حکم شد، اعدام مجدداً تکرار شود.

در متون فقهی حکم این قضیه چنین بیان شده است: اگر ولی دم، فرد جانی را برای قصاص بزند و سپس او را به گمان این که به قتل رسیده، رها نماید و جانی داری رفق باشد و از مرگ رهایی یابد، ولی دم نمی تواند مجدداً او را قصاص نماید، مگر این که در مقابل جراحی که برای وی به وجود آمده قصاص شود^۳ (فخرالمحققین، ۱۳۸۷؛ عمیدی، ۱۴۱۶)؛ بنابراین طبق نظر مطلق مشهور فقها تفاوتی ندارد که ولی دم در اجرای اولیه قصاص نفس عملی مجاز یا غیر مجاز را انجام داده باشد و در هر صورت قصاص مجدد، متوقف بر قصاص عضو از ولی دم است اما طبق نظریه تفصیلی مشهور فقها فقط در صورتی که اقدام ولی دم در اجرای اولیه قصاص غیر مجاز باشد، قصاص مجدد، به

۱ - اردبیلی، سید عبدالکریم موسوی، فقه الحدود و التزیرات، ج ۳، چاپ دوم، قم، مؤسسه النشر جامعه المفید، ۱۴۲۷، ص ۶۰۸.
 ۲ - فاضل لنکرانی، محمد، تفصیل الشریعه فی شرح تحریر الوسیله، چاپ اول، قم، مرکز فقهی ائمه اطهار علیهم السلام، ۱۴۲۰، ص ۶۷۲.
 ۳ - فخرالمحققین، محمد بن حسن بن یوسف بن مطهر حلی، ایضاح الفوائد فی شرح المشکلات القواعد، جلد چهارم، چاپ اول، قم، مؤسسه اسماعیلیان، ۱۳۸۷، ص ۶۳۱؛ عمیدی، سید عمید الدین حسینی، کنز الفوائد فی حل المشکلات القواعد، ج ۳، قم، دفتر انتشارات اسلامی، ۱۴۱۶، ص ۷۲۸.

قصاص عضو از ولی دم منوط است.

مستند این حکم روایت ابان بن عثمان است که فقها به اطلاق آن عمل کرده اند و برخی آن را مورد تخصیص داده اند: «علی بن ابراهیم عن ابیه عن بعض اصحابه عن عثمان عن اخیره عن احدهما (ع) قال: اتی عمر بن الخطاب برجل قد قتل اخا رجل فدفعه الیه و امره بقتله فضره الرجل رای انه قد قتله فحمل الی منزله فوجدوا به رمقا فقتلوه فلما خرج اخذه اخو المقتول الاول فقال انت قاتل اخي اقتلک فقال قد قتلتنی مره فانطلق به الی عمر فامر به بقتله وهو یقول و الله قتلتنی مره فمروا علی امیر المومنین اخبره فقال لا تعجل حتی اخرج الیک فدخل علی امیر المومنین لیس الحکم فیه هكذا فقال ما هو یا ابالحسین فقال ما من اخی المقتول الاول ما صنع به ثم باخیه فنظر الرجل اقتص منه اتی علی نفسه فغفا عنه وتارکا؛ مردی را خطاب آوردند که برادر کسی را عمداً کشته بود به ولی مقتول تحویل داد و امر کرد تا او را به قتل رساند و او را با شمشیر زد و گمان کرد که به قتل رسیده است به خانه اش بردند و مشاهده کردند که هنوز زنده است و او را معالجه کردن تا صحت یافت، و چون بیرون مقتول به او گفت تو قاتل برادر منی و باید من تو را بکشی می گفت، تو یک بار مرا کشته ای، او را به نزد عمر کرد که بار دیگر او را بکشد، مرد بیرون آمد و می گفت به خدا سوگند یک بار مرا به قتل رسانیده است، و گذارشان بر علی (ع) افتاد، وی ماجرا را برای او حضرت ولی مقتول را فرمود: شتاب نکن درباره او من بیرون آمیم، آنگاه نزد عمر رفت گفت: حکم آن فرمان داده ای، عمر پرسید پس حکم آن چیست فرمود: این شخص باید ابتدا از برادر مقتول در عفو او وارد کرده، قصاص کند و سپس او به قصاص بکشد، ولی دم چون چنین دید، فکر کرد اگر او در قبال ضرباتی که خورده قصاص کند، جان می بخشد و یکدیگر را ترک کردند»^۴ (کلینی، ۱۴۰۷).
 شیخ طوسی در نهاییه به مضمون این روایت عم (طوسی، ۱۴۰۰). بحث در اطراف این حدیث است آن را از دو جنبه سند و دلالت بررسی کرده اند.
 ۴ - کلینی، محمد بن یعقوب، الکافی، ج ۷، تهران، دار الکتب الاسلامیه، چهارم، ۱۴۰۷، ص ۳۶۰.
 ۵ - طوسی، محمد بن حسن، النهایه فی مجرد الفقه و الفتاوی العری، بیروت، لبنان، ۱۴۰۰، ص ۷۷۴.

فصلنامه علمی تخصصی

مطالعات علوم سیاسی فقهی و حقوق



جلد دوم

- ۵ **چالش های حقوقی شرکت ها پس از خصوصی سازی بر مبنای اصل ۴۴ قانون اساسی**
محمدحسین خلیلیان، بهرام درویش
- ۱۳ **بررسی دو مفهوم استقلال و بی طرفی نهاد داوری در حقوق داخلی و تجارت بین المللی**
لیلا رمضان نژاد کیاسری
- ۲۱ **بحران آب در خاورمیانه و ایران از نگاه زیست محیطی**
محسن مولانی فرد، جعفر صباغیان دلویی
- ۳۳ **مدیریت راهبردی آراء در شورای امنیت**
حسن طایفه پارچلو
- ۴۵ **تبیین نظرات فقهی و حقوقی پیرامون حیات مجدد بعد از مجازات قصاص**
حسین ردایی، مجتبی اعظمی
- ۵۷ **سیاست های کلان آموزش و پرورش و نقش آن در ناهنجاری ها و جرایم در شهرستان...**
مالک فرزاد، سلامه ابوالحسنی
- ۷۱ **امور قضایی اقلیت های مذهبی در جامعه اسلامی از دیدگاه فقه**
محمد البوعلی
- ۸۳ **تحولات حقوق زن در پرتو قوانین حمایتی در ادوار قانون گذاری ایران**
مرضیه پورکیگانی
- ۱۰۳ **تعارض ادله دعوی مالکیت با تأکید بر رویه قضایی ایران**
محسن گودرزی، هاجر امین پور
- ۱۱۷ **مبانی فقهی و حقوقی مالکیت فکری یا معنوی**
علی رحیمی، حسین شبیری
- ۱۳۵ **جایگاه و آثار حقوقی قرارداد بیع زمانی در فقه و حقوق ایران**
عادل احمدی
- ۱۳۵ **بررسی مفهوم روابط نامشروع و محدوده آن در قانون مجازات اسلامی**
زهره رضایی
- ۱۴۵ **مسئولیت ناشی از تهدیدهای سایبری و چالش های مقابله با آن در حقوق بین الملل**
رضا هاشم زاده
- ۱۵۳ **بررسی تأثیر عام بودن و یا پنهان بودن اعدام در کاهش جرائم مواد مخدر**
رضا سلیمانی
- ۱۶۱ **تحلیل و ارزیابی جبران خسارت زیست محیطی در حقوق بین الملل**
مریم رحمانی زاد، سید محسن شیخ الاسلامی

سال چهارم، شماره ۱، بهار ۱۳۹۷

ISSN Online: 2476-4469

ISSN Print: 2538-2039